بررسی مقایسه‌ای روابط‌های ایران و ترکیه در قبال تحولات خاورمیانه

سیدامالله اطهری

مرکز حاضری بنی

استادیار علوم سیاسی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران شرق (نوبت‌نامه مستند)

علی علی‌نیا شیکلی

استادیار علوم سیاسی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات

دانشجوی دکتری علوم سیاسی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات

تاریخ دریافت: ۱۳۹۲/۱۲/۱۵

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۲/۸/۱۱

چکیده

این مقاله می‌کوشد روابط‌های ترکیه و ایران را در قبال رخدادهای خاورمیانه به‌روش تطبیقی بررسی کند. اقلیت‌های عربی در خاورمیانه، نه تنها کشورهای منطقه، بلکه روابط بین آن‌ها نیز تحت تأثیر قرار داده است. روابط کشورهای ترکیه و ایران با توجه به هموگونی آنها تفاوت منابع دریافت خود را تشکیل می‌دهند. این است که این است که ایران و ترکیه روابط بین‌المللی ایران و ترکیه را به‌سوی رهبری منطقه سپر می‌دهند؟ چگونه می‌تواند به‌روش تحلیلی خاورمیانه به‌روش ایجاد می‌کند با استفاده از فرمول‌های پیش‌آمده از تحولات خاورمیانه به‌روش می‌تواند دست‌یابی نیز این‌ها بوده است: تأثیر تحولات خاورمیانه بر روابط ایران و ترکیه چه بوده است؟ چه عواملی ایران و ترکیه را به‌سوی رهبری منطقه سپر می‌دهد؟ راهبردهای دو کشور در اقدامات خاورمیانه چه ایستگاهی است که ایران و ترکیه، هردو، تلاش می‌کنند با استفاده از فرصت‌های پیش‌آمده از تحولات خاورمیانه به‌روش منطقه دقیقاً بداند. در این راستا، یکی از عوامل بسیار مهمی که دو کشور ایران و ترکیه را تحریک می‌کند، ندای همبستگی ایران با ترکیه این است که انها فکر می‌کنند از طریق افزایش قدرت و توانایی شان، به‌طور مجزا و به‌طور متحد، به سوی همکاری ایران و ترکیه در حالت اجرایی، این مقاله برگرفته از پژوهش بررسی تطبیقی سیاست خاورمیانه‌ای ترکیه و ایران، با حمایت صندوق حمایت از پژوهشگران

از بهره‌گیری اطلاعات از نوع استادی کتابخانه است.

واژه‌های کلیدی: ایران، ترکیه، اقلیت‌های عربی، انگلیسی، همبستگی

*این مقاله به‌روش از پژوهش بررسی تطبیقی سیاست خاورمیانه‌ای ترکیه و ایران، با حمایت صندوق حمایت از پژوهشگران

1. athary.asadolah@yahoo.com
2. hajrahmat@gmail.com
3. a.enayati@irib.ir
مقدمه

ایران و ترکیه دو کشور بزرگ خاورمیانه عرب در منطقه خاورمیانه محسوب می‌شوند که بنابر ملاحظات ژئوپلیتیک و زئوتاکونومیک و همچنین رویکردهای کلی سیاست خارجی، روابط بسیار گسترشده‌ای در حوزه‌ها و سطوح مختلف داشته‌اند. این روابط معمولاً در حوزه‌های اقتصادی و سیاسی ثابت بوده است و تاثیرگذار بوده است. ترکیه و ایران از زمان امپراتوری عثمانی در حالی نشانه‌هایی با چالش و ناسازگاری همراه بوده است. این دو کشور از جنگ‌های قرن هفدهم، دوره‌ای طولانی روابط صلح‌آمیزی بین دو کشور وجود داشته است و احتمالاً دو کشور همیشه به حد منازعه نرسید. ترکیه در دوره آناتوریک به اکثریتی که در سکولار برای سلسله پهلوی در ایران در طول نیمه اول قرن بیستم تبدیل شد. شاید بتوان برخی اصلاحات Kinnander, 2010:8 یکی از نشانه‌هایی بوده باشد که این روابط داخلی و خارجی پهلوی در طول دهه‌های سیاست را در همین دو کشور به‌عنوان دو هم‌پیمان ایالات متحده، رقابت‌های دو ملت‌های امپراتوری و حاکمیت‌های مسکنی را در طول جنگ سرد کنار گذاشته‌اند. هرچند با این وجود، به‌ویژه آمریکا، نگاه یکسانی به جایگاه زئوتاکونومیک ایران و ترکیه نداشتند، از نگاه غرب ترکیه به‌خاطر عضویت در ناتو، مدل حکومتی جمهوری سکولار و موضع استراتژیک در مرزهای انتخاب جماهیر شوروی، بیشتر طرف توجه غرب بودند؛ موضوعی که همواره گله‌های شاه ایران را در آن دوره به‌همراه داشت.

این هماهنگی و سازگاری به‌عنوان یک بروز انقلاب اسلامی ایران در سال 1979 تضعیف شد. درست زمانی که سرزمین‌های اسلامی از انقلاب اسلامی تأثیر می‌گرفتند، ترکیه به داشتن رژیم سکولار و گم‌گرد ایران در معرض تهدید دید. درنتیجه، در سال‌های دهه 1980، رقابت‌هایی بین ایران و ترکیه دوباره مبتنی بر ترکیه سکولار و ایران با ایدئولوژی اسلامی احیا شد (1980:108); و وضعیت که متغیرهای دیگر نیز ازجمله اوضاع منطقه‌ای و بین‌المللی آن را تحت تأثیر قرار داد. ولی باوجود این، سیاست آنکارا برمنای اصول سنتی کمالیسم، عدم تعهد و عدم دخالت در خاورمیانه بود که
نمود آن را در زمان جنگ ایران و عراق در دهه 1980 شاهد هستیم. در میانه دهه 1990، روابط سیاسی بین آنکارا و تهران و رو به بهبود نهاد. این روابط را به گسترش و رود حزب رفاه به قدرت اوج گرفت. در حقيقیت، دولت اریکان قراردادی به مبلغ 32 میلیارد دلار برای تحویل گاز طبیعی ایران به ترکیه امضا کرد.

روابط ترکیه و ایران در زمان استقرار دولت‌های سکولار در ترکیه نیز همچنان وجود داشت (آراس 1386: 47). حتی زمانی که رئیس جمهوری آمریکا، جرج بوش، ایران را «محور شرارت» خواند، رئیس جمهور وقت ترکیه، «احمد نجاد سرز» در رأس هیئتی عالی از ایران دیدار کرد و این دیدار در زمان ریاست جمهوری محمد خاتمی اتفاق افتاد. (Rubin: 2004: 2) در حاشیه این دیدار، خاتمی رسمی اعلام کرد که تهران از عضویت

ترکیه در اتحادیه اروپا به‌عنوان مخالف‌ها برخورداری «برخورداری تمدن‌ها» استقبال می‌کند.

سیاست خارجی و اهداف منطقه‌ای ترکیه در سه دهه اخیر، بعید ذوق در دوره حزب عدالت و توسعه، او گرایی‌های مواجه بوده است که با سیاست خارجی سنتی این کشور در دوره جنگ سرد و قبل از آن، تفاوت‌های مهمی دارد. تحولات ساختاری مهمی که محیط امنیتی و پیروانی ترکیه را با دگرگونی‌های جدید مواجه کرد، از این قرار است: چند تغییر بنیادین در نظام بین‌الملل و نظم منطقه‌ای، مانند تحولات گسترده زئولیتیکه پس از فروپاشی شوروی، تحولات بزرگ در نظم منطقه‌ای خاورمیانه پس از حادثه 11 سپتامبر و وقوع انقلاب‌های زنجیره‌ای در خاورمیانه عربی، در سال‌های گذشته، این تحولات در سه دهه گذشته، فرصت‌ها و همین‌چالش‌های گسترده‌ای برای این کشور ایجاد و زمینه‌ای فراهم کرد تا دستگاه دیلماتسی این کشور مستقیماً متاناسب با دگرگونی در محیط جدید منطقه‌ای و بین‌المللی، در بین‌ها و اصول و رویکردهای سیاست خارجی خود بازآبندی کرده و به‌عبارتی، با سیاست خارجی سنتی و محافظه‌کارانه و برقراری کنترل خود که گذشته در دوره جنگ سرد، بوده، خداحافظی کند.

در این راستا، انقلاب‌های عربی نقطه عطفی در مسائل خاورمیانه از اواخر سال 2010 به بعد محسوب می‌شود. آگه انقلاب اسلامی ایران و فروپاشی شوروی و حوادث 11 سپتامبر را نقطه عطف پیشین در معادلات خاورمیانه به‌حساب اوریم، انقلاب‌های عربی نیز در این زمینه نقطه عطف به‌شمار می‌آیند. دو کشور ایران و ترکیه به‌ویژه همکاری‌های گسترده در
۱. چارچوب مفهومی: هزمونی منطقه‌ای

۱-۱. تعریف مفهوم هزمونی

در زبان یونانی، هزمونی (هزمونیا) به اقتدار اشاره دارد که خود از هزمون به معنی رهبر و حاکم ناشی می‌شود. این اصطلاح اغلب به معنی سلطه قدرت یا دولت در داخل یک اتحادیه، کنفدراسیون و... یا سلطه طبقه‌ای اجتماعی بر دیگران به کار می‌رود. در دوران مدرن، هیچ‌کدام از این اصطلاح وجود ندارد. در واقع، معنا صرفاً سلطه و سر به هزمونی دنبال مفهوم جدی و مترادف می‌چرخد: سلطه و رهبری (۱۰۸-۱۰۷: Hauguard, 2006). در معنی نخست، هزمونی به سلطه یک دولت بر دیگران اشاره دارد. گیلنین نظام هزمونی را مفهومی توصیف می‌کند که نشان‌دهنده انتظام سلسله‌مراتبی از قدرت و سلطه بی‌حاله یا قدرتی هزمونیک است، (۹۳-۱۵: Gilpin, 1989).

مفهوم هزمونی در عمل معمولاً به معنی افزون و غلبه تواناپیه‌های مادی و تجارت به
بررسی مقایسه‌ای روش‌های ایران و ترکیه

Gilpin, 1984, 49

1989: 57
1. هزمونی منطقهای

هزمونی منطقهای کمابیش همان ویژگی‌های هزمونی جهانی را دارد. هزمونه‌های منطقه‌ای، دولت‌هایی دیده می‌شوند که از قدرت‌های برای تسهیل بر نظام دولت‌های تابع برخوردند. همانند هزمونی جهانی، عوامل قدرت مادی و عوامل ایدئال در هزمونی منطقه‌ای بهم تعامل می‌کنند. با وجود این، چاپگاه قدرت هزمونی منطقه‌ای به روابط آن با بازیگران جهانی بستگی دارد. مداخله بازیگران خارجی ممکن است پروردهای هزمونی منطقه‌ای را توانمند یا تقابل‌سازد.

هزمونی نه تنها مستلزم توانایی هایی است که چنین پروژه‌ها را ممکن می‌سازند، بلکه مستلزم عزم و اراده هم هست. انگیزه‌های نهفته در ورای تأثیر و سطح هزمونی، اغلب شامل ترکیبی بی‌چیدمان از عوامل داخلی و بین‌المللی هستند. نمونه ایران به ما نشان می‌دهد که یکی از عوامل بسیار مهمی که دولت‌ها و برجسته‌های جهانی به‌طور مختلف می‌کنند، نیازهای امنیتی است که تصور می‌شود از طریق افزایش توانایی‌های قدرت برطرف می‌گردد. اما امروزه آنچه جستجوی ترکیبی برای رهبری منطقه را متفاوت می‌سازد، نیاز امنیتی نیست؛ بلکه نوع شرایطی است که تصور می‌شود تحت آن چنین چاپگاهی به‌دست آید (2012: 20).

2. نیازهای امنیتی و اهداف منطقه‌ای ایران

اهداف و دعوت‌های منطقه‌ای ایران موضوع جدیدی نیست. به‌لحاظ تاریخی، ایران تا اوایل قرن نوزدهم امپراتوری بود. مداخله مستقیم و غیرمستقیم قدرت‌های اروپایی بزرگ در ایران، در
دو قرن نوزدهم و بیستم، تلاش ایران برای تبدیل شدن به قدرت منطقه‌ای را برانگیخت.

تاریخ، هم حس عظمت ملی و هم حس قربانی شدن را ایرانیان می‌دهد که به طور متقابل تقویت می‌شوند. تمجید زیادی از خود، روان‌شناختی آسیب‌باری را پنهان می‌کند که شامل‌اند که خودشیفتگی است: دخالتی که قربانی شدن را به ناکامی‌های ناگاهانه از ارتحال به نفس منجر می‌شود که بی‌آورد نیازهای امتنی را ضروری می‌سازد و این چیزی است که باعث تقویت قدرت طلبی نیز می‌شود. این بی‌خود نیاز ایران برای اینکه خود را به‌عنوان قدرت منطقه‌ای مطرح کند، بیش از اندازه تاریخی و روان‌شناسی باشد، زمایه‌های زئوپلیتیک است که خود را به‌نحو ملموسی، با اشغال ایران در جنگ جهانی اول و دوم نشان داد.

همان‌طور که فرهنگ‌نامه اشاره کرده است، معاهده‌ها گلستان (1813) و ترکمنچای (1828) (بعین ایران و روسیه و معاون‌های هرات (1857) (بعین ایران و بریتانیا) کبیر، همه تلاش‌هایی برای تجدید‌یکپارچگی سرشماری ایران و تضعیف اهمیت زئوپلیتیک دیده، می‌شوند. در حافظه عمومی، تاریخ مدرن ایران با ازدست دادن سرشماری در جنگ‌های با روسیه در قرن نوزدهم، شروع می‌شود. طبق تصور غالب، برگزی ایران منافع قدرت‌های خارجی را به‌چالش می‌کشد؛ واقعیتی که به تلاش‌ها برای تضعیف و تجزیه آن منجر می‌شود. ارزان‌فکری که این خطر همیشه وجود داشته است، ایران با دید خود را قدرت‌مکان سازد تا با سلطه خارجی مقابله کند و هویت خود را دریابد. اغلب چنین تصور می‌شود که زمینه‌که ایران از مداخله خارجی مصون نگه داشته شود، به‌طور طبیعی به قدرت منطقه‌ای تبدیل می‌شود و زمینه‌که ایران قدرت‌مکان است، می‌تواند امینت خود را به‌شیوه‌ای بهتر تضمین کند (2011).

(Gahremanpor, 2011)

در همین راستا بود که مجدد‌پردازیهای ایران باستان را احیا کند و آن را به پنج‌می‌کردند قدرت جهان تبدیل کند. یکی از سیاست‌های آماده‌سازی محمدرضاشاه تبدیل ایران به قدرت منطقه‌ای در خلیج فارس بود که به تلاش‌های ایران برای حصول تسهیلات مدرن و تکنولوژی‌های پیشرفته شتاب بخشید. این تلاش‌ها همچنین شامل توسعتاً برناهای قدرت مستهای می‌شد که در دهه 1960 شروع شده بود. اهداف ایران در اواخر دهه 1970 تا اندمازی‌هایی در چارچوب سیاست دولتی نیکسون بود که از قدرت طلبی ایران حمایت می‌کرد. این شایع شبه در مقابل کمونیست‌ها و ملی‌گرایی افروطی اعراب اجاده کرده بود.
در طول سالهای پایانی رژیم سابق، ایران به‌دلیل درآمدهای نفیس و ادبیه حمایت سیاسی و فنی غرب، قدرتی روبرویش داشته در منطقه بود. با وجود این، شاه به‌دلیل روابط نزدیک خود با وانگکینگ، همچنان به لقب «دست‌آموز و دست‌نشانده آمریکا» می‌شود و این عملیاتی که در برانگیختن انقلاب ۱۹۶۹ در ایران نقش مهمی داشت، درنتیجه کودتای ۱۹۵۲ علیه مصدق، نخست وزیر وقت ایران، حمایت و دریغ آمریکا از متحد رضاشاه در دهه‌های ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰، نقش در تغییر نظر منفی تلقی می‌شد. پس از انقلاب اسلامی ایران در سال ۱۹۷۹، امریکا سمی‌سازی به عنصر اساسی هویت جمهوری اسلامی ایران تبدیل شد و در عرصه سیاست خارجی، این عنصر در تأکید بر دکترین صدور انقلاب تبیور یافته‌که در دهه ۱۹۸۰ اتخاذ شد (Dehshiri, 2008: 114-101).

در امور بین‌المللی، ایران وضع موجود را تبدیل فته است و از راهکردی «آرزش‌محور» در شکل دادن به سیاست‌های حمایتی می‌کند. در این جهت، ایران را می‌توان کشوری مأموریت‌محور تعیین کرد که مأموریت خود را با اصول اسلامی هماهنگ می‌سازد. در اهداف اخلاقی عدالت اجتماعی و مقابله با هزمون و تلاش برای برقراری فضای عادلانه در روابط بین‌الملل دست یافته (7-1 : 2007). موضع جمهوری اسلامی ایران برای نظم جهانی فعلي و مقضایای آن برای برقراری عدالت در بافت منطقه‌ای، از طریق رفتار آمیزه‌ای به سیاست نشانه‌های اسرائیل و حمایت از حماس برای تأسیس دولت در نوار غزه و آزادی بیت المقدس، عملیاتی شده است. با وجود این، تیرگردهای بدان معنی نیست که ایران همکاری با دولت‌های غیراسلامی را رد می‌کند. جمهوری اسلامی ایران همچنان تلاش کرده‌است این خود را فراتر از مرزها خویش توسعه دهد و در این مسیر، نه‌تنها از ایدئولوژی اسلام حمایت کرده، بلکه بر عوامل خارجی نیز تمرکز کرده. در این راستا، ایران بر شکل گیری ساختار جدید منطقه‌ای برای دولت‌های حوزه خلیج فارس تأکید کرده که جایگزین شورای همکاری خلیج فارس (PGCC) به‌شکل و از تشکیل سازوکارهای بین‌المللی ممکن استفاده کرده‌است که آمریکا از این مجموعه مستثنی شود. در حالی که دولت‌های خارجی خلیج فارس درصد سازگاری با هزمون قرارگرفته‌ای هستند تا

1. Persian Golf Cooperation Council
به عنوان شیوهای مؤثر، امینت خود را در ارتباط با قدرت‌های منطقه‌ای، از ویژه ایران تأمین کنند. کشورهای همسایه دیگر مانند ترکیه، آذربایجان، ارمنستان می‌توانند به این ماشین‌آلات شرکت‌کنند. ایران همچنین درصد است‌ت نزدیک سازمان‌های منطقه‌ای و بین‌المللی که مستعد پذیرش سلطه غرب نیستند، مانند جنوب عربی تعداد و سازمان همکاری اسلامی و اوپک، استفاده کند.

ایران به‌خصوص در دوره شیعی جمهوری احمدی‌نژاد، راهبرد همراهگشاده دیپلماتیک و اقتصادی و نظامی را برای توسعه نفوذ خود در آمریکای لاتین و آفریقا دنبال کرد تا به‌کوهای ضدآمریکایی در آن مناطق ایجاد کند و پروژه‌های قدرت‌های خود را افزایش دهد. این تلاش‌ها بر کشورهای مانند کوبا، ونزوئلا، نیکاراگوئه و پویلوی متمرکز شدند.


3. نگرش ترکیه در قبال خاورمیانه

هویت جمهوری ترکیه در طول جنگ استقلال شکل گرفت که به تأسیس جمهوری ترکیه در سال 1923 منجر شد. سرچشمه سیاست‌های هویتی ترکیه در انتخابات امپراتوری عثمانی و تیرانداز ملت‌سازی جمهوری ترکیه است که محصول تاریخ امپراتوری است (کوزه‌بالاوی، 1397: 21). طبق درس‌های برگرفته از تاریخ در دهه 1920، ترکیه به این تنبیه رسید که به هیچ دولتی بجز قدرت خود اتکا نکنند. با وجود این، نگرش جمهوری ترکیه به قدرت‌های خارجی، نه تنها درنتیجه یادمانی بلکه بهدلیل تحسین و تمیزبندی و آموزش‌های مدرنیت غربی حاصل شد. بنابراین، به‌جای تبلیغ انفعال و توهین به آن، ایدئال‌های غرب مدرن به‌عنوان راهکل برای پیشرفت مردم ترکیه ارائه شد. این امر در راه به‌وسیله عضویت ترکیه در ناتو و همچنین آرزوهای پیوندی به اتحادیه اروپا را هموار کرد؛ در حالی که ارتباط ترکیه با کشورهای خاورمیانه، به‌خصوص کشورهای عربی، تا انتظار زیادی به ملاحظات امتنعی محدود شد. مدت‌زمانی طولانی نمی‌گذارد سیاست خارجی ترکیه باور ندادن که ترکیه می‌تواند مسیر تحولات خاورمیانه را کنترل کند یا تغییر دهد. وارد شدن ترکیه به موضوعات خاورمیانه، نتیجه این نگرانی‌ها بود که ترکیه خود به داخل بحران‌ها فروافت.
لذا در سیاست خارجی، ترکیه باتکی‌های شعار صالح در داخل و خارج از خانه، همزمان مسالماً آمری با کشورهای همسایه را برگزار (اعضادالسالینه، 1391: 80). این نگرش همچنین به حساسیت‌های تاریخی دیواره جهان عرب برمی‌گردد که به گذشته امپراتوری عثمانی مربوط می‌شود. نخست‌گاه ترک همچنین ورود ترکیه به منطقه را برای کشورهایی که برای رله‌ی منطقه‌ای رقابتی می‌کرده و همچنین برا ی سیاست‌های ممحمدی می‌دانستند. وضعیت قدرت ترکیه و راهبرد آن به کشورهای غربی اعضا مهم‌تر نگریست.

آن درباره خاورمیانه را تشكلی می‌داد. همچنین، این عقيده وجود داشته که ترکیه مجبور است بین روایتهای اسرائيلی و کشورهای عربی توافق حفظ کند. بهطور طبیعی، این افکار به‌سختی نقش‌رها را می‌پذیرفت. نخست‌گاه ترکیه با این عقیده که ترکیه نه منابع کافی دارد و نه حمایت کافی، تأکید می‌کرده که ترکیه باید به مشکلات داخلی تمرکز کند و تنها زمینه که با تهدیدات آسکار روهی‌ور شود، قدرت خود را به‌کار گیرد. به‌عنوان دریکر، تنها حوزه‌ای که انتظار می‌رفت ترکیه در آن حضور فوري داشته باشد، حوزه امپراتوری بود.

اما سیاست ترکیه درباره خاورمیانه، پس از به‌عیدرید یا حزب عدالت و توسعه، شاهد بی‌پایی جدیدی بوده است؛ زیرا حزب عدالت و توسعه در برده زمانی حساسی در روایته خود با خاورمیانه به قدرت رسبید که در مهابات به بافتی متحول انظر فکری و مادی منجر شد (کوزه، بالایان، 1392: 321). پس از سالها انفعال و غفلت درباره خاورمیانه، ترکیه به‌عنوان بازیگر دنبال‌پی‌کننده مهمی در منطقه ظاهر شد. در نتیجه این موضوع، رهایت آنکارا درباره موضوعات منطقه فعالان‌تر شده است.

بخش علمای از بازتوضیح سیاست خارجی ترکیه درباره منطقه خاورمیانه، متاثر از نظریات احمد داوود اوغلو، وزیر امور خارجی ترکیه است. داوود اوغلو در کتابی با عنوان عمق استراتژیک (Davutoglu، 2001) استندال مک کن که سیاست خارجی ترکیه در سالهای گذشته غیرمتوازن بوده و بر روایت‌ها اروپای غربی و ایالات متحده تأکید زیادی کرده، به‌نحوی که به غفلت از منافع ترکیه در دیگر کشورها به‌ویژه در خاورمیانه منجر شده است. به اعتقاد او، کارشناسان دیدگاه‌های داوود اوغلو «شماره گرایی» نه چیزی است که به نمایش می‌گذارد. براساس این نگرش، ترکیه به احیای میراث امپراتوری خود و جستجوی اجماع ملی جدیدی نیاز دارد که به‌ویژه آن، هواپیمای مختلفی از کشورهای
با یکدیگر همزیستی کنند. (Taspinar, 2008) به طور کلی، فعالیت دندان به طور کلی، فعالیت دندان

در مناطق مختلف خاورمیانه را می‌توان نشان یافتن از نفوذ چنین تفکراتی در جلب حاکم

تفردکه دانست. نکته محوری رویکرد دولت‌های گوناگون ترکیه درباره مسائل سیاست خارجی،

ضرورت متوان‌سازی جهت گروه فرامرزی این کشور است که اعتبار سیاست خارجی

چندوجهی و تلفظ آنها را افزایش می‌دهد.

بدین ترتیب، رهبران حزب عدلیت و توسعه در طراحی سیاست خارجی ترکیه به دنبال

تقویت نقش و نفوذ این کشور در جویزهای مختلف پیروانی بهبود خاورمیانه‌هستند.

مبتکران عمده‌ای این گروه را در جارایب تفاوت‌های اسلامی اصلاح‌گرایان برای احیای امپراتوری

اسلامی ترکیه تفسیر می‌کنند؛ اما مقامات حزب حاکم بر این ادعا معتقدند که گسترش

نفوذ ترکیه در این منطقه و بهبود روابط با کشورهای اسلامی، از حیث انطباق آن با منافع

ملی ترکیه بی‌گیری می‌شود و از آنچه در جارایب گرایش‌های بین‌المللی اسلامی (بان‌آسیا)

فسیس‌پذیر نیست. در واقع، رویکرد جدید ترکیه با عنوان امپراتوری سرمایه‌ای به‌عنوان افزایش اراضی،

بلكه به این معنی است که ترکیه یکانه کشور خاورمیانه است که می‌تواند در تولید و

دوستانه، غرب و خاورمیانه را هم زمان به هم پیوند دهد (دهقانی، 1391: 151-159).

علاوه بر ایده توسعت عربی استراتژیک و نیز "متوان‌سازی" سیاست خارجی که از

محورهای مؤثر در فعالیت دندان ترکیه در منطقه خاورمیانه بوده است، دکترین (پیش‌رگزار، 2012).

Cornell, را در احمد داوود اوگلو به عنوان نظریه‌های دیگر مطرح کرد.

مطالب با این دکترین، هدف ترکیه حفظ بهترین روابط می‌کنند با تأمین هم‌سایگان و بازیگران

منطقه‌ای و بین‌المللی است. براساس همین تفکرات بود که برخلاف دوران حاکمیت

لایه‌ها در ترکیه، منطقه خاورمیانه از زمان روی کار آمد حزب عدلیت و توسعه اهمیتی

راهبردی در سیاست خارجی این کشور بی‌پدایه و تحولات اخیر خاورمیانه، مخصوصاً

نآزمایی‌های سوریه به محقق این سیاست‌ها تبدیل شده است (حاجی‌میره، 1391).

4. روابط‌های ترکیه و ایران و تحولات خاورمیانه

4-1. روابط ترکیه در قبال تحولات خاورمیانه

باتوجه به فعالیت دندان سیاست خارجی ترکیه در قبال منطقه خاورمیانه در دهه گذشته
ابنکارات و اقدامات خاص دولت اردوغان در این منطقه، پیشینه پذیری بود که با او چگونه تحویلات سیاسی، از جمله شکل‌گیری انقلاب‌های میدمی در تونس، مصر، لیبی و نیز تحویلات سیاسی و دارای ها در سوریه، دولت اردوغان موضوع فعالی در داربا این تحویلات اتخاذ کننده.

تونس اولین کشور حوزه شمال آفریقا و خارمیانه بود که انقلاب‌های میدمی در آن اتفاق افتاد. تحویلات این کشور سرآغازی برای برنامه‌های موج انقلاب‌های میدمی در سایر کشورهای منطقه بود. در واقع، انقلاب تونس الامام بخش میدمی سایر کشورهای منطقه برای طرح و پیگیری مطالبات خود با هدف تغییر نظام‌های اقتصادی، در سال ۱۳۹۰ (سال حاضر) دو تا دو پنج ساله‌ای مورد مسئولیت انتخاب‌های ناگهانی تونس نداشت؛ ولی حال پس از سقوط رژیم بنعلی و فرار وی به عربستان بود که ترک‌ها سیاست خود را در قبال تونس فعال کردند.

تدریک سرنوشت تونس در مصر و خیابان‌آمد میدمی این کشور برای مخالفت با رژیم حسنی مبارک نشان داد که دانش تغییرات سیاسی در منطقه به تونس محدود نیست و ویرانی رژیم‌های انقلاب‌گر در خارمیانه و شمال آفریقا در معرض انقلاب‌های میدمی قرار دارند.

این مسئله حساس‌ساز رژیم‌ها در منطقه و فرماندهی را به تحویلات سیاسی این حوزه بیشتر کرد. بر همین اساس، دولت ترکیه نیز تعلیق‌های تر در قبال تحویلات مصر موضع‌گیری کرد. رجب طیب اردوغان، نخست وزیر ترکیه، در واکنش به تحویلات مصر و حضور میدمی در میدان تحریر فامه‌ها، به لحاظ تندی از حسنی مبارک، رئیس جمهوری مصر، خواست که قدرت را کنار بگذارد. این موضوع گیر هم‌بینی اردوغان در میان معتضدان مصر را به دنبال داشت و در نوع خود اولین موضع گیری ترکیه و نشانه‌ای از آن بود که آنکارا تمامی دارد در کنار میدمی خارمیانه قرار گیرد که در پی ساقط کردن رژیم‌های بنعلی خود بودند (Kardas, 2011: 10). هرچند در ادامه بحران مصر و کنار گذاشته‌شدند دولت محمد مرسی توسط ارتش مصر، این رابطه سرد شد؛ زیرا ترکیه اقدام ارتش مصر را کودتا خواند و دولت وقت مصر نیز اقدام ترکیه را دخالت در امور داخلی مصر قلمداد کرد.

حزب حامک عدالت و توسعه با آغاز بحران در لیبی، توجه خود را ابتدا به خارج کردن اتباع خود از لیبی معطوف و از موضع گیری بر ضد قاقدوی خودداری کرد. احمد داوود اوغلو
این سکوت را این گونه توجیه کرد که ترکیه می‌خواهد امکان صحبت با هر دو طرف مناقشه در لیبی را برای خود حفظ کند. این دستگاه مورد مطالعه تقریبی برای بحران دست یافته. بسیاری از تحلیلگران سکوت ترکیه را به دلیل ملاحظات که دارد اوغل و مطرح می‌کرد. بلکه به دلیل حفظ منافع اقتصادی شایان توجه این کشور در لیبی می‌دانستند.

زمانی که اکثریت از خدمات نظامی برای نمایش در لیبی و انتظار افزایش حمایت نکرد و بر انتظار نشان داد بسیاری افراد از حزب وحدت و توسعه به دلیل دوربین‌های مردم‌تأکید خودش انتقاد کردند (Akyol, 2011). این مسئله محاسبات حزب وحدت و توسعه را در مورد لیبی تغییر داد. رجب طبیب اردگان که به‌دردسری از موضع انتقاد از عملیات ناتو در لیبی بسته حمایت از این عملیات روی آورده بود، سرانجام از قبلاً خواست که از قدرت کناره‌گیری کند.

قبل از سال 2011، بسیاری فکر می‌کردند وقتی این دو دانشمند به سوی ترکیه با سوئیس بودند که روابط ترکیه با سوریه به‌پایان رسیده. بازار آن کشور و دیتی دیگر کشورها در این روز را برای ترکیه باز کرد (واعظی، 1387) و آغاز سیاست خارجی در این کشور. این امیدها چندان نیازی نداشتند و عملیات اقتصادی به کشور همسایه و دوست ترکیه یعنی سوریه رسد؛ کشوری که اکثریت از شروع تحولات عربی، آن را مهمترین فرصت برای افزایش نفوذ خود در خاورمیانه تلقی می‌کند. درمانع از دیدگاه ترکیه، با هرگونه تغییر در حاکمیت سوریه، جایگاه استراتژیک ترکیه در منطقه بسیار ارثی خواهد یافت. ترکیه در جایگاه مخالف اصلی رژیم اسد ظاهر شد و تهدید کرد.

است درصورت ادامه سیاست‌های دمشق وارد عمل شود.

نحوه موضوع گیری ترکیه در قبال تحولات خاورمیانه به‌ویژه در حال قبال نارام‌های سوریه، به سیاست‌های ایران کشور رمی بر یعنی کشور اصلی مشکلات با همسایگان. در تضاد است. مطالب این سیاست، ترکیه با پایان برای حل مشکلات با همسایگان و بهبود روابط با آنها تلاش کند. این در حالی است که بطرف ترکیه درباره تحولات سوریه، هزینه‌ها فراوانی احیای روابط دو کشور، بلکه امتیاز کل منطقه را با تهدید روبه‌رو کرده است. اینکه دیگر اینکه نحوه موضوع گیری ترکیه در قبال سوریه نه تنها به روابط این کشور با سوریه اساس وارد کرده است، بلکه رنگش همسایه مهم درگیر این کشور یعنی جمهوری اسلامی ایران را نیز

2. Zero problems with Negighbors
به‌دنبال داشته‌اند. جمهوری اسلامی ایران انتظار دارد حزب حاکم عدالت و توسعه در ترکیه که به گرایش‌های اسلامی اشتهار دارد. در تنظیم سیستم‌های خود درباره تحولات منطقه، به‌ویژه و عقب‌سویه، منافع جهان اسلام را مانند قرار دهد و از اتخاذ سیاست‌هایی که خوش‌شانه‌ای اسرائیل و در پارچه مسائل، کلان آمیکس، احترام و رژیم یافته‌اند، موضوع ترکیه را در کنار سوی، یا برخی کارشناسان چالش باید به‌قوه در روابط آتکارا و تهران معنی کرد. اکنون از کارشناسان اعتقاد دارند در صورتی که ترکیه سیاست‌های را در کنار سوی، وقایع سوریه تعیین نکنند، ممکن است شاهد ظهور دوره‌ای سرد در روابط تهران و آتکارا باشیم. با توجه به این واقعیت، تأثیر سیاست‌های ترکیه بر روابط این کشور با برخی همسایگان، شماری از کارشناسان معتقدند که موضع‌گیری آتکارا درباره تحولات منطقه امکان موفقیت سیاست به‌صرفه‌ساخته مشکلات با همسایگان را به صفر رسانده است.

4-2 رویکرد ایران در کنار تحولات خاورمیانه

در مکمل رویکرد ایران، یکی از موضع‌های دارایی به‌نظر انتقال اسلامی ایران درجه دارد که موضع تهران در راستای آرمان‌های اقلام اسلامی ایران درجه‌بندی حمایت بدون تردد از مظولان و مردم کشورهای مختلف قرار داشته است. از این رو، با وجود روابط رسمی ایران و تونس و حتی تلاش‌هایی که برابر برقراری رابطه با مصر دوزه مبارک شده بود، جمهوری اسلامی ایران به حمایت ممنوع و رسانه‌ای از مردم تونس و مصر برامیک. این معتقد است که اثرگذار انتقال‌های اسلامی در کشور تونس، به‌خصوص در سال‌های اولیه پرویزی انتقال‌های اسلامی، محسوس و محرز است. در رأس امواج اولیه جنبش اسلامی تونس، شیخ راشد الغنوشی قرار داشت که اکنون نیز رهبری ممنوعی این کشور را به‌همه دارد. این تأثیرات در درازمدت نموده‌ای عینی یبدا کرد و به پیروی نهضت تونس و سرنگونی بنعلی، دکان‌های تونس، پس از سال‌ها منجر شد (رحمانی، 1391: 211). الغنوشی انتقال‌های اسلامی ایران را نخستین تجربه نظام سیاسی اسلامی پس از صدر اسلام توصیف کرد و آن را ستود. وی به استادگی جمهوری اسلامی ایران دربردار فشارها و تهدید‌های غرب اشاره کرد و آن را برای همه نیروهای اسلامی در جهان آموزشده‌خواند. از این رو، هر چند به دلیل محدودیت‌های بین‌المللی علیه ایران، این کشور نمی‌توانست در حمایت از انتقال مردم تونس اقدام دیپلماتیک مشخصی
بکنید ترددی نیست ایران بیش از این کشور دیگر آرزوی سرنگونی رژیم بن علی را در سر می‌پروم. همچنین، اولین واکنش گروه‌های مصري به انتقاب اسلامی ایران و واکنش جماعت اخوان المسلمین بود. این جماعت طی اعلامیه‌ای در سال ۱۹۷۹، انتقاب اسلامی ایران را استود و بدون گونه آن را تایید کرد. روحی که پشته انتقال اسلامی ایران بود، شبیه همان روحی بود که مسلمانان اولیه را به اسلام هدایت کرد. همچنین، اعلام کرد که هیچ جدایی بین دین و سیاست در اسلام وجود ندارد و اسلام دین جامعی است که برای این جهان و جهان دیگر قانون دارد و همه امور زندگی را سامان می‌بخشد. رهبران جدید مصر، پس از پیروزی انتقال ۱۳۹۱، برآمده از خط فکری اخوان المسلمین هستند و ممکن است به صورت تاکتیکی با ایران اختلاف داشته باشند نه استراتژیک (نوروزی، ۱۳۹۱: ۱۹۹). هرچند نظامیان مصر با دخالت در سیاست و تکارگذاریان محمد مرسي، رئیس جمهوری منتخب مردم مصر، بیشتر، روابط قبل از انتقال مصر را پیدا خود و ایران دنیال می‌کند روحی همراه، جمهوری اسلامی ایران در انتقال مصر و تونس، با تشییع رژیم مبارك به فرعون مصر و رژیم بن علی به عامل استباد و سرسپرده غرب، به صورت معنی و رسانایی از این دو انتقال حمایت برای ایران کرده و در زمره نخستین کشورهایی بود که رسماً با رهبران جدید ارتباط برقرار کرد. ایران با هرگونه اقدام نظامی غرب در تحولات کشورهای اسلامی مخالف است. شاید دخالت ناتوان در لیبی است که سبب شده تا نهایان، قبل از استقرار کامل نظام جدید در این کشور، از دوران انتقالی حمايت کامل نکند. الینه ایران با ارسال کمک‌های انسان‌دوستانه تحسین مقامات دولت انتقالي لیبی را جلب کرد. رسانه‌های جمهوری اسلامی، خصوصاً در عالم و پرسنی، به صورت ۲۴ساعت تحولات لیبی را با جهت‌گیر حمایت از مردم انتقالی پوشش می‌دادند. ایران به دلیل نوع رابطه‌اش با غرب، نمی‌توانست در ترتیبات غربی مربوط به لیبی مشارکت داشته باشد؛ ولی در حد بضافت مدلماهیک خویر، از هیچ کمکی به انتقال لیبی مضايقة نکرد. ایران به ایرانی‌های آفریقی در سوریه را حلقه گمشده تکمیل‌محاسبه‌ردن به غرب قلمداد می‌کند، لذا اگر می‌ورزد از اینکه آن را همانند انتقال مصر و لیبی ارزیابی کند.
ایران تحولات سوریه را به‌عنوان دموکراسی‌خواهی واقعی، بلکه توظیه‌ای طراحی و هدایت‌شده از خارج برای بی‌ویژن ذهن مخال‌مقاومت می‌داند و همچنان به حمایت‌های خود از دولت سوریه در کنار اجرای اصلاحات در این کشور ادامه می‌دهد. رهبری جمهوری اسلامی ایران، درخصوص اوضاع سوریه، با اشاره به اینکه جمهوری اسلامی ایران با هر طرحی که آمریکایی‌ها در ارتباط با مسائل سوریه مبنک آن باشند قویاً مخالف است، اعلام کرد: "جمهوری اسلامی ایران از سوریه بدلیل حمایت از خط مقاومت دربارها برای انقلاب صهیونیستی، دفاع خواهد کرد و با هرگونه دخالت نیروهای خارجی در امور داخلی سوریه به‌شدت مخالف است. ما از اصلاحات در سوریه همواره حمایت می‌کنیم و اصلاحاتی که در سوریه شروع شده است، باید ادامه یابد" (10/1391)

آنچه مقامات ایران درخصوص تفاوت انقلابات جهان عرب با تحولات سوریه بیان می‌کند، این هستند:

1. در کشورهایی مثل لبنان و مصر، اکثر مردم با رژیم مخالف بودند و اقلیتی حامی رژیم‌های مستبد بودند؛ ولی در سوریه بخشی بیشتری از مردم در اجتماعات خود، حمایت‌شان را از دولت و رئیس جمهوریان اعلام کردند.

2. حکومت سوریه به غرب و استیگی ندارد. در مقابل، حاکمان دیگر کشورهای شاهد انقلاب، بی‌آمریکایی‌ها و غربی‌ها وابسته بودند. دولت سوریه در خط مقدم مبارزه با اسرائيل ایستاده است.

3. حکومت‌های مانند عربستان از مخالفان سوریه حمایت می‌کند که سطح توسعه سیاسی آنها به‌مثابه سوریه کمتر است و این امر در صداقت کشورهای مخالف رژیم سوریه تردید ایجاد می‌کند.

4. کشورهای سوریه و ایران و لبنان و مجموعه‌های حزب الله، جهاد اسلامی و حماس، اتحاد ضدیاسلامی تشکیل داده‌اند و سوریه نقش پل ارتباطی این جبهه را ایفا می‌کند. هرچند ایجاد جنبش‌هایی مانند حزب الله و پدیده‌ای درون‌زا بوده است، اسرائیل و غرب می‌دانند شکستن سوریه تخریب و انهدام آن پل ثالثی می‌شود. همچنین به‌کمک سوریه است که عمق استراتژیک ایران گسترش یافته و تا مرزهای رژیم صهیونیستی جلو رفته است (روانبخش، ۱۳۹۰). این به‌تهارت اثبات می‌کند که موضوعات فوق انتشار آن نیست که
سوریه به اصلاحات اساسی نیازمند است. بازدید به حکومت و دولت‌مردان این کشور فرصت
داد فراپند اصلاحات را به‌درخیل پیش ببرند.
به‌طور خلاصه می‌توان گفت که راهبرد ایران در مقابل بحران سوریه. جلوگیری از سقوط
دولت اسد به‌عنوان یکی از پایه‌های اصلی راهبرد کلان موازاته‌نگر ایران در منطقه است.
ایران خواهان ادامه حکومت بشار اسد و جلوگیری از روزی‌تر کارآمدن مخالفان در سوریه
است؛ زیرا روزی کارآمدن مخالفان به محرور استراتژیک ایران و سوریه و حزب‌الله لبنان
آسیب وارد می‌کند (نیاکوئی و دیگران، ۱۳۸۹: ۱۳۹۱). 

5. روابط منطقه‌ای ایران و ترکیه و تأثیر آن بر روابط دو کشور
5-1. دوره نخست: ۲۰۰۲ تا ۲۰۱۰ (روابط دو کشور در طول دوازده سال حکومتی دولت اردوغان) به دو مقاطع کامل تحلیل شده. در مقاطع اول که ۲۰۰۲ تا ۲۰۱۰ را
دربر می‌گیرد. منابع دو کشور برمبای همکاری و اعتماد متقابل در تمام زمینه‌های
اقتصادی و سیاسی و امینیتی گسترش یافته و دیدگاه‌های دو کشور بیش از پیش به هم‌دیگر
نزدیک شد. گسترش حجم روابط تجاری موضع ترکیه در قبال اسرائیل، حمایت ترکیه از
برنامه هسته‌ای ایران در محافل جهانی، همکاری‌های منطقی با نفت و گاز، توافق‌نامه‌های
امینیتی درخصوص ناسیونالیسم كردی، تبعید نرکدن گرایی از تحریم‌های پک‌بانی آمریکا
و اروپا و برخی طرفین از مداخله در مسائل داخلی همدیگر، مولفه‌ها و زمینه‌های اصلی
هستند که موجب تقویت و بهبود روابط می‌شود.
در عرصه روابط تجاری. دهه اخیر اوج گسترش روابط دو کشور به‌دست آمد. حجم
روابط تجاری تهران و آنکارا تقییاً از ۳ میلیارد دلار در سال ۲۰۰۰، به حدود ۱۶ میلیارد
دلار در سال ۲۰۱۱ افزایش یافت (14/1390/10/48). از عرصه‌های
مهم روابط اقتصادی. تأسیس خطوط لوله نفت و گاز از ایران به ترکیه در سال ۲۰۰۱ و
آغاز حضور و سرمایه‌گذاری‌های شرکت‌های ترک در ایران بوده است. تحویل در روابط
ترکیه و اسرائیل از دیگر علل بهبود روابط ایران و ترکیه در طول این دوره است. روابط
راهبردی نظامی امینیتی آنکارا و تلاویوه که همواره باعث تغییر اجتماعی اسلامی
بوده، با روزی کارآمدن حزب عدلت و توسعه و به‌ویژه پس از کشتار جنوب لبنان و غزه و
حمله اسراییل به کشتی مرموره، دستخوش گوگویی شد. کاهش روابط سیاسی با اسرائیل و لغو بخش مهمی از قراردادها و رزمایش‌های نظامی توسط ترکیه، زیبایی بسیار مهمی برای افزایش اعتماد و گسترش روابط ایران و ترکیه شد.

حمایت دولت اردوغان از فعالیت هسته‌ای ایران و تأکید بر صلح آمیزی بودن آن و نیز انتقاد از رفتار دوگانه غرب در قبال برنامه‌های هسته‌ای در خاورمیانه، به‌ویژه در ارتباط با اسرائیل، از دیگر موضوعات مهم در تقویت روابط دوستانه بوده است. مخالفت ترکیه با قطع‌العمل تحریم‌های امتیازی ایران در نوامبر ۲۰۰۹، در حالی که رویه و چین به این قطع‌العمل را مثبت دانستند، ارائه طرح مشترکی با بزرگ جهاد میان‌جیگری برای تأمین سوخت هسته‌ای راکتور تهران در مه ۲۰۱۰ و میزبانی چند دور مذاکرات ایران با گروه ۵+۱ و نیز تعیین نکردن از تحریم‌های پیک‌جانه‌ای آمریکا و اروپا برای فشار به ایران، تلاش‌های سیاست خارجی مستقل آن‌ها برای حاکم‌نظیر یکدیگر در موضوع بوده است. برخی تحلیلگران اهداف اصلی دولت اردوغان برای حل مسائل آمریکا و اروپا باید در این تناقض با آمریکا یا ترکیه و أوپک جزو‌یک‌های منطقه‌ای به‌ویژه جدایی‌ها و چنگال‌های ایرانی، می‌دانند. بنابراین، مسائل آمریکا یا ترکیه و اوپک جزو‌یک‌های منطقه‌ای به‌ویژه ترکیه و اوپک جزو‌یک‌های منطقه‌ای باید با در نظر گرفت، خصوصاً در حیال منطقه‌ای یا منطقه‌ای نهایی یا منطقه‌ای نهایی یا منطقه‌ای نهایی (Henri, 2011: 3-1).

۲- ۲۰۱۲ دوم انتخابات در منطقه بیش از متغیر و اقتصاد روح‌رشد این کشور در پی داشته باشد (Henri, 2011: 3-1).

منطقه جدید و متغیر و اقتصاد روح‌رشد این کشور در پی داشته باشد (Henri, 2011: 3-1).
نه برمنای تقویت ثبات دولت‌ها و امنیت منطقه‌ای و مداخله‌نکردن در امور داخلی دولت‌ها و اصول اعلامی دیپلماسی به‌صرفه‌ساندن مشکلات با همسایگان، بلهک از طریق تغییر دولت در سوریه و بسط نفوذ خود در عراق و در منطقه پیش برند.

درواقع مهم‌ترین عامل سردی روابط دو کشور به اختلاف دیدگاه دو کشور درباره ماهیت بحران در سوریه برمی‌گردد. ایران ریشه بحران سیاسی را در سوریه نه‌داخلی، بلهک «توطه دولت‌های غربی برای نابودی جهنه مقاومت ضد‌دهنیپستی» و بازیگران این بحران را نیز ترویستهای مزدود می‌دانند؛ اما دولت ترکیه ماهیت بحران سیاسی در سوریه را همچون تحولات مصر و عراق و به‌پیمان مقاومت مختلف سیاسی و مسلح دولت بشار را مبازه به‌راعی دستیابی به حکومت مردمی و دموکراتیک تلقی می‌کند. آنکارا تمام برنامه‌های خود را براساس این فرضیه گذاشته است که حکومت باید در کوتاه مدت سقوط منکر و برای خودداری از رقابت احتمالی قدرت و منافع بین خود و کشورهای غربی، مانند آنچه در لیبی اتفاق افتاد، پیش‌دانسته رفتار کرد. با وجود این، چنین اتفاقی نیفتاد؛ زیرا روسیه و چین قطعنامه شورای امنیت را وتو کردند و آنکارا با وضعیت رو به شد که در آن مانند اسد سر قدرت تقریباً ضروری کامل برای سرمایه‌گذاری نکردن در سوریه خواهد بود. طبق بدتین سناریو، سوریه ممکن است وارد جنگ داخلی فراگیری شود که طی آن براساس شکاف‌های فرآینده تقسیم شود و منازعه به تمام منطقه سرازی شود. آنکارا و تهران نتوانسته‌اند به توافق برسند و روابط مشترکی در حال بحران دنبال کند. بر این مبنای، موشک و روبوکت‌های دو کشور مقابل هم قرار دارند و تفسیر زنده‌نیتیکی و امتیازی برخی رهبران حزب حاکم ترکیه از سیاست خارجی جمهوری اسلامی، نشان دهنده اختلاف بین موارد دو کشور در بحران سوریه است.

سینان اوغان، نماینده پارلمان ترکیه و رئیس مرکز تحصیلات استراتژیک بین‌المللی ترکیه، در تحلیل رفتار ایران در سوریه معتقد است: «ایران همواره می‌خواهد جهنه جنگ با دشمنان خود را در فرآیند مرزگانی خود نگه دارد. سوریه یکی از این جبهه‌هاست که روش‌دیدن بهار عربی به آنجا، دولت ایران سخت نگران شده است. با فرآیند دولت اسد، ایران یکی از جبهه‌های خارجی را خواهد باخت و این به‌منزله عقب‌کشیدن میدان جنگ دولت ایران با کشورهای غربی به مرزهای خاکی خود است که دولت ایران را سخت
نگران کردی است» (اوغان، ۱۳۹۰).

ایران نیز مکرر، سیاست تركیه را در قبال سوریه خصمانه و مغایر با اصول سیاست منطقه‌ای و منافع بلندمدت این کشور و در راستای اهداف و استراتژی قدرت‌های غربی توصیف کرده و تركیه را ابرازی برای اجرای این اهداف دانسته است. به رغم گفت و گویی فراوانی که در ماه‌های اخیر بین ایران و تركیه صورت گرفته است، دو طرف موفق نشدند موضوع را به یکدیگر نزدیک کنند (۲۳/۰۱/۱۳۹۱)؛ بلکه تداوم اختلافات در بحران سوریه باعث شد تا مسائل جدیدی روابط دو کشور را به تنش مواجه سازد. استقرار سپر دفاع موشکی در خاک تركیه و سياساتي آن كرگا در قبال عراق از جمله اين مسائل است.

در موضوع استقرار سپر دفاع موشکی ناتو در خاک تركیه و در نزدیک مرزهای ايران، آن كرگا در اجلاس سال گذشته به دلیل ملاحظات و نگرانی‌های امنیتی تهران، استقبال چندانی از طرح آمريكا و ناتو برای ایجاد سیستم سپر دفاع موشکی نمی‌کرد. گرچه به دلیل نیازهای امنیتی متمایل به استقرار این سیستم بود، برای جلوگیری از رنجش ايران و بهره از آسیب به اعتماد منتفی‌ال، از پذیرش سپر دفاع اجتناب می‌کرد. اما بحران سوریه فرصتی برای آن کرگا به وجود آورد تا فارغ از نگرانی‌های امنیتی و بی‌توجه به هشدارهای مکرر مقامات نظامی ایران، طرح استقرار این سیستم را در مرزهای ایران پذیرد. این موضوع به یکی از عوامل پشت در روابط دوجانبه در پاییز ۱۳۹۰ تبدیل شد. همچنین، تغییر تدریجی مواضع تركیه در مسئله هسته‌ای و اظهارات بی‌سابقه اردوغان (سلمی، ۱۳۹۰) درخصوص صداقیت ایران درباره این مسئله، پس از بازگشت از ایران در جریان ۱۳۹۱ و همواره تركیه در اعمال تحريمهای يکجانبه غرب را می‌توان از دیگر پیامدهای تأثیر بحران سوریه بر روابط دو كشور دانست. بر این اساس، وزير ارزی تركیه در اواخر سال ۱۳۹۱ اعلام کرد که در این مرحله از هر چیز خود را از ایران تا آخر ۲۰۱۲، تا ۷۰ درصد کاهش می‌دهد. این رفتار آن کرگا را می‌توان همسویی با غرب و اعمال فشار غیرمستقیم بر ایران در واکنش به سياسات ایران در سوریه طی این دوره دانست.
نتيجه گیری

این مقاله در راستای پاسخ به سوال اصلی مبنی بر تفکر رویکردهای ایران و ترکیب درقالب تحولات خاورستانی و آزمون فرضیه اصلی، نشان داد که رویکردهای ترکیبی و ایران درقالب تحولات خاورستانی، در راستای اهداف همزمانی قرار دارد. در حالی که افراد فوری اعلام کرد که بهار عرب، بخشی از 'بیداری اسلامی' است و قیام عربی در تونس، مصر، لیبی و سایر مناطق از اقتدار اسلام و دموکراسی اثره کنن. در این میان، آنچه رقابت تهران و آنکارا را تشکیل داده بود، بحث که روزبروز بر دامنه آن افزوده می‌شد. ایران و ترکیب هر دو منافع عمده‌ای در سوریه دارند. ترکیب شدیداً تهران وضع سوریه است؛ زیرا طولانی‌ترین مهر با سوئیس دارد. نگرانی عمده ترکیبه درباره سوریه تجربه آن است; تدابیری که ترکیب سعی می‌کند جلو آن را در سوریه بگیرد. ترکیب میلیست افراش فعالیت به کمک در اعتماد مرزبانی، ظهور کردن مستقل، بروز منافع ترکی سوری بر سر ایلات هتایی با تقسم منابع آب را بپیداید.

از طرف دیگر، برای ایران سقوط احتمالی است دایرة نفوذ منطقه‌ای ایران را کاهش می‌دهد و پیوند مستقیم بین تهران و حزب الله را در لبنان قطع می‌کند. با این اوضاع، آنکارا و تهران راهبردهای مشترکی برای برخورد با وضعیت سوریه می‌دانند. در حالی که ایران به حمایت خود از حکومت سوریه ادامه می‌دهد، آنکارا میزان گروه‌های مختلف شورای ملی سوریه است و حمایت های مجلسی برای آنها فراهم می‌کند. به علاوه، گرچه آنکارا ابتدا تمامی به اتخاذ اقدامات شدید علیه سوریه نداشت، تلاش کرده است تا مجموعه جدیدی از تحريم‌ها را تحمیل کند و با مداخله نظامی برای تأسیس منطقه پرتو ممنوع در سوریه، فضایی برای فراین‌هایی از خدمت و

پناه‌هایکن قدر فراهم کند؛ تصمیم‌گیری که بسیار خطرناک است.

تابحال، تهران و آنکارا اشکال عوامل را و مستقیم با یکدیگر در نشان دهند؛ اما هر دو کشور ترکیبه‌های عضویکن دارند و به یکدیگر با گفتمان هستند. ایران ترکیب را به همکاری با غرب با هدف سرنوشت اسد می‌پذیرد می‌کند و ترکیب را به دلیل به‌هم پردازی از تحولات منطقه‌ای افراش منافع خود از طریق ترویج 'اسلام لبیرال' و تلاش برای احیای مجدد امپراتوری
سال سوم، شماره چهارم، زمستان ۱۳۹۰
کتاب‌نامه

آریس، بولنی و رابیا کاراکارا پولات (1386)، از مناقشته‌های سیاسی ایران و ایران، می‌تواند مصوبه‌های اقتصادی و اجتماعی ایران و سازمان‌های اقتصادی و اجتماعی ایران، دو مجله، ۱۳۸۶، ص ۳۴.

اعتراضات سیاسی، نوژن (۱۳۹۱)، احزاب اسلامی و جامعه‌ی اندازه‌گیری در ایران، دستان: چاپ‌پرک.

پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر مقدماتی و دیدار بانک ایران با رجب طيب اردوغان در اینترنت: http://www.leader.ir/langs/fa/?p=contentShow&id=9287

جایگاه، رحمت (۱۳۹۱)، «مسئله کردهای سوریه: چالش جدی برای ترکیه»، پژوهش‌کده مطالعات استراتژیک خارجی‌های، ۱۴ شهروند.


دوغان، سیان، اتحاللو رویارویی ایران و ترکیه در سال ۲۰۱۲، مصاحبه با رادیو فردا، ۲۱ دی ۱۳۹۰.

دومه، بازی (۱۳۹۱)، از انگیزه‌های سیاسی و اجتماعی در ایران و ترکیه، فصلنامه دیپلماسی سیاسی، ۲۰۱۲، ص ۲۶.


کوره‌بانیان، حسن (۱۳۹۲)، سیاست خارجی ترکیه: اسلام، ملل گرایی و جهانی، ترجمه غلامرضا کرمی و داوود نیک‌زاد، دستان: چاپ‌پرک.

صالحی، جواد و سعید ساسانیان (۱۳۹۱)، بررسی تغییرات سامانه نظم متأثر از تحولات خارجی‌های ایران، با تمرکز بر زبان‌شناسی شیعه در سال ۲۰۱۱، فصلنامه پژوهش‌ها سیاسی جهان اسلام، سال سوم، ش ۲، ص ۹۵.

Downloaded from priw.ir at 9:42 +0330 on Saturday December 7th 2019 [ DOI: 10.20286/priw-04031 ]

نوورانی، امیر (بهار ۱۳۹۱)، «مصر، بیداری اسلامی و الگوی ایران»، فصلنامه مطالعات انقلاب اسلامی، ش، ۲۸، ص ۲۱۴–۲۱۵.

نیاکوپی، سیدامیر و دیگران (۱۳۹۲)، تبیین راهبرد امنیتی ایران در بحران سوریه (۱۳۹۲)، فصلنامه پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام، سال سوم، ش، ۱، ص ۲۱۹–۲۱۸.

عاوضی، محمود (۱۳۸۷)، «سیاست خارجی حزب عدالت و توسعه ایران»، تهران: مجمع تشخیص مصلحت نظام، مرکز تحقیقات استراتژیک، ص ۸۱.


Ayman, Gulden. S (2012)"Regional aspirations and limits of power Turkish-Iranian relations in the new middleast”, Hellenic Studies, Volume:20/1


gahremanpor, rahman(2011),"Iran looking the west: Identity, Rationality and Iranian foreign policy” in Iran and the West, regional interests and global controversies, Swedish Defense Research Agency.

Gilpin, Robert (1981), War and Change in World Politics, Cambridge University Press, p. 32


Keohen Robert (1984), After Hegemony, London: Lynne Reinner, p.49


